

بررسی ماهیت شرط داوری در قراردادهای واگذاری شهرک های صنعتی

حمید سعیدی راد^۱، وفا درویش پور^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.

Email: saeidirad1398@gmail.com

چکیده

به دلیل نقش و جایگاه تاثیرگذار شرکت شهرک های صنعتی در اقتصاد کشور، کنترل و نظارت بر شرکت های مزبور بحث مهم و اساسی بوده و قانونگذار نیز به دلیل اهمیت آن، در قوانین مختلف این موضوع را مدنظر داشته است. از سوی دیگر، به خاطر پیچیدگی های موجود در فرآیند واگذاری سهام شرکت های دولتی و وابسته به دولت، ضرورت دارد نهادهای نظارتی ویژه ای بر برنامه خصوصی سازی کشور نظارت کند.

در قراردادهای شرکت های دولتی (از جمله شرکت شهرک صنعتی) نیز داوری به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات گنجانده شده است و طرفین با امضا قرارداد، شرط داوری قید شده در قرارداد را می پذیرند و برخلاف مقررات آیین دادرسی مدنی، آزادی عمل در ارجاع اختلاف به داوری به صورت همه جانبه وجود ندارد. در مواد ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی و اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ارجاع اختلافات مربوط به اموال عمومی و دولتی به داوری مستلزم تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی می باشد. در خصوص این که اموال شرکت های دولتی (از جمله شرکت شهرک های صنعتی) جز اموال دولتی محسوب می شود و ارجاع اختلافات حاصله در آن به داوری، مستلزم تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی می باشد یا خیر، به شدت میان مراجع قضایی اختلاف نظر وجود دارد. ما در این تحقیق با ذکر ادله و بیان استدلالی اثبات نمودیم که اموال شرکت های دولتی جز اموال دولتی محسوب نشده و ارجاع اختلافات در آن به داوری مستلزم تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی نمی باشد. همچنین در این تحقیق رویه ی عملی داوری در شرکت شهرک های صنعتی را به تفصیل شرح و مورد بررسی قرار داده ایم.

واژه های کلیدی: شرط داوری، قرارداد، قرارداد واگذاری، شرکت

مقدمه

واگذاری حق امتیازی است که بر طبق قانون برای افراد جامعه ایجاد گردیده و در عالم حقوق به دو نوع مالی و غیر مالی تقسیم می‌گردد. حق غیر مالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های معنوی افراد بوده و حق مالی امتیازی است که قانون هر کشور، به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آنها داده و ارزش مالی می‌باشد و قابل تقویم به پول است لیکن مال به چیزی گفته می‌شود که قابل داد و ستد بوده و قابل لمس و رؤیت باشد، مثل اموال منقول و غیر منقول، فلذا بر این اساس حق و مال دو عبارت مجزا و دارای مفهوم جدا از یکدیگر بوده و حق، به معنای خاص مال محسوب نمی‌گردد (۱).

یکی از مشکلات عمده قضایی، تراکم و حجم بالای پرونده‌ها مطروحه در دادگستری می‌باشد که موجب اطاله دادرسی و کاهش دقت و سرعت در رسیدگی می‌گردد و این در حالی است که هزینه‌های سرسام‌آور و سنگین قضایی نیز به دغدغه‌های مسؤولین اضافه گردیده است لذا نظام قضایی در پی کاهش ورود پرونده و ترغیب اشخاص به حل و فصل اختلافات در مراجع غیر قضایی و دادگستری می‌باشد و از این رو قانونگذار از دیرباز به دنبال تاسیس نهادی خارج از مراجع قضایی تحت عنوان داوری بوده است (۲).

محرمانه بودن داوری، اختیار اصحاب دعوا در تعیین داوران متخصص، تعیین هزینه‌ها و سرعت رسیدگی در داوری موجب شده تا اصحاب دعوی نیز از این روش استقبال نموده و روز به روز بر اهمیت و دایره استفاده از این نهاد افزوده می‌شود. از طرف دیگر با توجه به گسترش و توسعه شهرها و مهاجرت افراد از روستاها و لزوم گسترش دیوان سالاری و امور اداری و ایجاد نهادها و تخصص‌های علمی جدید، حاکمان و قانونگذاران را بر آن داشت تا با تصویب قوانین جدید، رسیدگی به برخی امور را به نهادهای غیر از مرجع قضایی بسپارند که در این راستا رسیدگی به تخلفات احتمالی کارکنان دولت و نیز رفع اختلافات اشخاص با برخی نهادهای دولتی و اشخاص خصوصی، به مراجع دیگری غیر از مراجع قضایی سپرده شده است که اصطلاحاً بدان نهادهای شبه قضایی می‌گویند. این نهاد غیرقضایی که از جهت رسیدگی و صدور احکام شبیه به مراجع و محاکم قضایی می‌باشند (۳).

با توجه به اینکه در اغلب قراردادهای منعقد از سوی نهادها و شرکت‌های دولتی من جمله شرکت شهرک‌های صنعتی، شرطی در قرارداد گنجانده شده است که به موجب آن در صورت بروز هرگونه اختلاف نظر و تصمیم داور و حکم مرضی الطرفین لازم‌الاتباع است لذا چنانچه ذوالخيار (شرکت دولتی) قصد فسخ قرار داد را داشته باشد این امر می‌بایست حسب نظر و رای داور صورت پذیرد حال ممکن است این سوال مطرح گردد که چنانچه در جلسه داوری، به مثابه برخی از دادگاه‌های اختصاصی اداری، قاضی دادگستری نیز حضور یابد آیا باز هم نیازی به اخذ تایید رای از دادگاه اقامه دعوی در محاکمه قضایی می‌باشد یا خیر؟ در این پژوهش سعی می‌شود به ماهیت داوری و ویژگی‌های آن و سپس ماهیت هیات‌های شبه قضایی و ویژگی‌های آن بپردازیم.

۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

دادرسی و رجوع به دادگاه‌های دولتی صرفاً اعمال مالکیت دولت بوده و باید به وسیله قضاوت دولتی انجام گیرد ولی چون شمار دعوی روز به روز در حال افزایش است، دادگاه‌ها نمی‌توانند با سرعت به آنها رسیدگی کرده و رضایت مردم را به نحو مطلوبی جلب کنند و یا ممکن است اصحاب دعوا به عللی مانند سنگینی هزینه و اطاله دادرسی نخواهند دعوی خود را در دادگاه مطرح سازند از این رو داوری به ویژه در مسائل و موضوعات تجاری به طور چشم‌گیری در حال افزایش است و امروزه کمتر تاجر بین‌المللی می‌پذیرد که دعوی مطروحه را در دادگاه‌های ملی کشورها اقامه نماید و از آنجا که در حقوق ایران اسناد بین‌المللی داورها تکلیف ندارند مقررات آیین دادرسی مدنی را راجع به طرز رسیدگی رعایت نمایند و همچنین محدودیت‌های یک دادرسی در مورد داور اعمال نمی‌شود امتحان خطا و تقصیر از طرف داور دو چندان می‌باشد و در هر حال رشد قارچ گونه سازمان‌های داوری و آمار دعوی مطروحه علیه داوران بر اهمیت بررسی مشکلات ناشی از شرط داوری تأکید می‌کند.

فصل ۱- مرور ادبیات و سوابق مربوط

علی رغم اینکه همیشه درباره حق انتخاب زیان دیده در مطالبه خسارت وارده میان حقوق دانان مباحثی مطرح بوده اما در حقوق ایران کمتر نوشتاری به این بحث اختصاص یافته و در رابطه با موضوع ذکر شده در حال حاضر کتب خاصی به طور جامع و گسترده پیرامون آن اختصاص داده نشده و در بعضی کتب به نحو اختصار به آن پرداخته شده، از جمله:

شمس (۱۳۸۵) در کتاب آیین دادرسی مدنی ۳ اشارات کوتاهی به تاریخچه داور، شرایط مشترک و اختصاصی داور، مراجع داور و آثار داور و همچنین مسئولیت مدنی، کیفری و انتظامی داور به صورت کلی شده است و بیان شده چون هیچ نصی مبنی بر مصونیت داوران وجود ندارد بر اساس قاعده عام مقرر در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنانچه موجب ضرر شوند مسئول جبران خسارت خود می باشند.

کریمی (۱۳۸۷) در کتاب آیین دادرسی مدنی ۳ به صورت کلی به مسئولیت داور پرداخته و بیان داشته که در قانون آیین دادرسی مدنی به اصل مصونیت داور اشاره‌ای نشده و تنها در ماده ۵۰۱ این قانون به مسئولیت عمومی داوران توجه شده که شاید بتوان از این ماده به مصونیت داوران رسید، بدین ترتیب که داوران جز در صورت ارتکاب مواد منصوص در ماده اخیر مسئولیتی نخواهند داشت.

تقی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها بیان می دارد: داور قاضی خصوصی است که به موجب یک قرارداد وظیفه قضایی را بر عهده می‌گیرد، و تخلف یا ترک انجام وظایف از سوی داور میتواند ضمانت اجراهای مختلف انتظامی، کیفری و مدنی را به دنبال داشته باشد هرچند که در سیستم های حقوقی جهان نسبت به اصل مسئولیت مدنی داور اتفاق نظر وجود ندارد.

مشکل گشا (۱۳۹۱) در مقاله چهارچوب مسئولیت مدنی داور در حقوق ایران به صورت کلی به مسئولیت مدنی داور و حدود مصونیت او پرداخته بدین ترتیب که در حقوق کشور ما تقریباً چهارچوب مشخصی را برای داور تعیین نموده که باعث اختلاف در تحقق مسئولیت داور یا عدم مسئولیت وی نشود و داور بر اساس قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام که به موجب این قاعده هیچ گونه ضرری نباید بدون جبران باقی بماند مسئول است.

میرفخرایی (۱۳۷۰) در مقاله امکان جرح و سلب صلاحیت داور: مسئولیت داوران به صورت مطالعه تطبیقی در قانون کشورهای حقوق کامن لا و حقوق نوشته بررسی شده و ملاک و ضابطه‌ای دو سیستم در مورد مسئولیت مدنی داوران مورد بررسی قرار گرفته است.

ماهیت داور

ماهیت داور ارتباط نزدیک با تعریف آن دارد لذا به جهت ورود به پیشینه، انواع و اقسام داور در ابتدا به ماهیت آن می پردازیم. از نظر ماهیت داور روشی دوستانه و غیر رسمی برای حل اختلافات است. بنابراین، داور ماهیتی داوطلبانه دارد و به همین سبب است که آن را سیستم خصوصی قضاوت و احقاق حق هم گفته اند، زیرا آئین داور و صلاحیت داوران را اصحاب دعوی تعیین می کنند (۳). البته این روش نیز همانند رسیدگی های قضایی روشی الزام آور و دارای عنصر تعهد آور حقوقی به شمار می رود، اما به واقع یکی از تفاوت یا مزیت های داور با رسیدگی قضایی در این است که در داری طرفین در انتخاب داوران و شاید هم تاحدی در انتخاب آئین دادسی و قوانین ناظر بر ماهیت آزاد هستند (۴).

با وجود همین خصوصیات است که بیان شده است: (داور روشی است مسالمت آمیز برای حل و فصل الزام آور حقوقی اختلافات توسط قضات منتخب، طرف های قضیه، طبق قواعدی که خود آنها معین می کنند و بر اساس ارجاع داوطلبانه و نیز احترام به حقوق مربوطه) (۵).

با زاویه دیگر که به ماهیت داور نگاه کنیم یعنی به این صورت که قرارداد داور چه ماهیتی دارد، دیدگاه ها و نظرات مختلفی بیان شده است از جمله این که داور را وکالت، تصالح، عقد تحکیم و تشار ذکر کرده اند (۶).

گروهی که داوری را نوعی وکالت می دانند و معتقدند که اصحاب دعوا به داور وکالت می دهند تا اختلاف آنها را وکالتاً حل و فصل نماید و البته باید گفت که این نظر صحیح نبوده چراکه باید گفت داور یک قاضی است و قاضی باید بر اساس اقتضاء مستقل باشد (۷).

در حالی که وکیل باید رعایت حال غبطه و مصلحت موکل خود را رعایت نماید. البته به نظر می رسد که حدود اختیارات وکیل و داور یکی از شباهت های این دو موضوع باشد زیرا که هم داور و هم وکیل باید در حدود اختیارات و موضوعی که به آنها واگذار شده است اقدام نمایند البته با تفاوتی که بیان گردید. گروهی دیگر معتقد هستند که داوری تصالح است یعنی داوری عقد است برای اذن در صلح و نه برای تحکیم، به این معنی که طرفین با هم توافق می کنند که هر چه فلانی بگوید مورد قبول آنها می باشد و باید طبق قاعده اوفوا بالعقود عمل نمود و یا اینکه اصلاً تشارط است و طبق قاعده اوفوا بالشروط باید به آن عمل نمود. البته باید اذعان نمود که هر چند افراد می توانند قراردادهای خود را در قالب عقد صلح منعقد نمایند که البته صحیح هم می باشد اما داوری همچنان ماهیتی فراتر از صلح دارد (۸).

داوری ماهیتی قانونی و قراردادی دارد که داور است که در این قرارداد صلاحیت صدور رای را دارد. دوری از عقود رضایی و غیر تشریفاتی است. داوری می تواند طی یک قرارداد مستقل یا ضمن عقد اصلی پیش بینی گردد، ممکن است به صورت رسمی یا عادی صورت پذیرد.

به نظر می رسد قرارداد داوری یک قرارداد لازم می باشد به دلایل زیر :

ماده ۱۰ قانون مدنی بیان داشته است: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

ماده ۴۷۲ قانون آئین دادرسی مدنی: بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنها را ندارند مگر با تراضی.

ماده ۴۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی که آورده است داوری در موارد زیر از بین می رود و در بند یک این ماده بیان شده با تراضی کتبی طرفین دعوا.

قرارداد واگذاری شهرک های صنعتی

راه اندازی واحدهای صنعتی برای سرمایه گذاران در شهرک ها زمانی در حدود یک تا ۶ سال در نظر گرفته شده است و اگر سرمایه گذاری نتواند در این مدت به تعهدات خود عمل کند، قرارداد واگذاری زمین از سوی شهرک صنعتی نقض می شود. هرچند شرکت شهرک های صنعتی ابتدا مشکل واحد صنعتی را در جلسه های پایش قرارداد و ستادهای تسهیل استانی مورد بررسی قرار می دهد و اگر واحد صنعتی مشکل سرمایه در گردش داشته باشد، وام به آن تعلق می گیرد در غیر این صورت براساس امور حقوقی، زمین از اختیار سرمایه گذار خارج و به سرمایه گذار دیگری واگذار می شود. همچنین پایان کار و سند زمین به آن واحد صنعتی تعلق نخواهد گرفت. با این حال، شرکت شهرک های صنعتی همواره اصل را بر حمایت از صنعتگران گذاشته است. هرچند ممکن است در هر مرحله شرایطی پیش آید که سرمایه گذار قرارداد دریافت زمین را نقض کند یا قادر به بهره برداری از آن نباشد. ممکن است سوال شود که اگر سرمایه گذار زمین در اختیار گذاشته شده را به بهره برداری نرساند یا ساخت و ساز خارج از قرارداد در آن داشته باشد، چه پیامدهایی در انتظار آن خواهد بود؟ شرکت شهرک های صنعتی متولی حمایت از صنایع کوچک و تحویل زمین به صنعتگران است. این فرآیند طی ضوابط و شرایط ویژه انجام می شود. به عنوان نمونه، برای تهیه بهره برداری زمین صنعتی سرمایه گذار باید مراحل همچون مراجعه به شرکت شهرک های صنعتی استانی و دریافت اطلاعات مربوط به شهرک های صنعتی استان از واحد برنامه ریزی و امور تولیدی، ارائه جواز تاسیس صادر شده از وزارت صنعت، معدن و تجارت یا یکی از سازمان های ذی ربط، تکمیل فرم درخواست زمین، انتخاب شهرک صنعتی و قطعه زمین مورد نظر، انعقاد قرارداد حق انتفاع از تاسیسات شهرک صنعتی، ارائه نقشه های ساختمانی از سوی مجری طرح به شرکت شهرک های صنعتی استان، دریافت پروانه ساختمان از شرکت شهرک های صنعتی استان، شروع عملیات اجرایی ساخت و ساز واحد صنعتی و دریافت پایان کار از قرارداد واگذاری شرکت شهرک های صنعتی استان را طی کند. با این حال،

سرمایه گذاران با دریافت زمین در شهر کهای صنعتی باید به تمام شیوه نامه ها و تبصره های قرارداد عمل کنند. اگر سرمایه گذاری نتواند به تعهدات خود عمل کند، مشمول نقض قرارداد می شود (۹ و ۱۰).

چگونگی نقض قرارداد واگذاری شهرک های صنعتی

تخلف ها به طور معمول در دو حالت است؛ نخست، ممکن است سرمایه گذار واحد صنعتی زمین را خالی نگه دارد و به بهره برداری نرساند. دوم، زمین به بهره برداری می رسد اما ضوابط ساخت و ساز در آن رعایت نمی شود. به عنوان نمونه، ممکن است سرمایه گذار بدون توجه به ضوابط ساخت و ساز بنایی را در زمین صنعتی ایجاد کند؛ در این حالت و در صورت اثبات تخلف سرمای هگذار نمی تواند مجوز پایان کار ساختمانی دریافت کند. همچنین ممکن است نتواند سند مالکیت زمین را دریافت کند. البته همواره سعی شرکت شهر کهای صنعتی بر حمایت از واحدهای صنعتی است. از این رو، واحدهای صنعتی در صورت وجود مشکلات به کمیته ایفای تعهدات قرارداد و پیش قراردادهای ارجاع می شوند (۱۱).

شرکت شهرک های صنعتی وظیفه ایجاد زیرساخت ها را در شهرک های صنعتی برعهده دارد. به عبارتی، زمین فاقد خدمات زیربنایی را به واحدهای صنعتی واگذار نم یکنیم اما ممکن است در زمینه ایجاد انشعاب برق مشکلاتی به وجود آید. برای مثال، متقاضی و سرمایه گذار واحد صنعتی تقاضای انشعاب را به شرکت برق بدهد اما شرکت خدمات رسان برق تعلل کند. در چنین حالتی مشکلات را پیگیری می کنیم. اما انشعاب آب در دست شرکت شهر کهای صنعتی است و تمامی خدمات زیربنایی در زمینه آب همچون تصفیه خانه فاضلاب از سوی شرکت شهر کها اجرا می شود و هزینه ها برعهده شرکت است. بنابراین در زمینه انشعاب آب مشکلی برای واحدهای صنعتی پیش نمی آید و بیشتر معطلی واحدهای صنعتی در زمینه اتصال برق است (۱۲).

داوری در شرکتهای دولتی

با عنایت به درج و پیش بینی داورى در بند ۷ فصل و دفترچه قرارداد و ایراد برخی از محاکم قضایی نسبت به شمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به این امر و استنکاف از اجرای رأی داور و یا رد دادخواست شرکت های استانی مبنی بر تأیید فسخ تنفیذ شده از سوی داور و به شرح ذیل و جهت معان نظر و بهره برداری بیان می گردد :

الف) اصل ۱۳۹ قانون اساسی مقرر می دارد : صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داورى در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد.

ب) ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می دارد : ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داورى پس از تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد.

متأسفانه برخی از محاکم قضایی پس از صدور رأی داورى و طرح آن در دادگستری جهت صدور اجرائیه یا اقامه دعوی از سوی طرف قرارداد مبنی بر بطلان رأی داور به استناد مواد فوق الذکر و با این استدلال که داورى در خصوص اموال دولتی نیازمند اخذ مصوبه هیأت وزیران می باشد رأی به نفع طرف قرارداد صادر و یا اقدام به عدم پذیرش صدور اجرائیه می نماید. لیکن این استدلال با مبانی و مبادی حقوقی و قانونی سازگار نبوده و به دلایل ذیل وارد نمی باشد و اصل بر صحت آرای صادره توسط داور است (۱۳).

نتیجه گیری

رضایت عنصر اصلی در داورى بین المللی است و نمی توان بدون احراز آن قلمرو شرط داورى را گسترش داد. در صورتی که نماینده، قراردادی را بدون افزایش اصیل برای او منعقد کند و ثالث متوجه حضور اصیل شود، و در این قرارداد شرط داورى وجود داشته باشد یا نماینده موافقتنامه داورى جداگانه با ثالث منعقد کرده باشد، قلمرو شرط داورى به اصیل نیز گسترش پیدا میکند. مطابق اصول کلی نمایندگی حقوق و تعهدات ناشی از قراردادی که نماینده منعقد می کند برای اصیل است. این در حالی است که با بررسی رویه داورى و قضایی مشخص می شود که عموماً معیارهای بسیار سختگیرانه ای برای این گسترش اعمال کرده اند.

استاپل مبتنی بر انصاف نیز به عنوان مبنای گسترش شرط داوری به کار رفته است. از این تئوری که مبنایی اخلاقی دارد در مواردی استفاده می‌گردد که با هیچ یک از تئوری‌های دیگر نتوان شخصی را که در واقع تحت شمول شرط داوری قرار می‌گیرد، ملزم به داوری کرد؛ هرچند که ممکن است نگرانی استفاده بی‌مورد و بی‌رویه از این مبنا وجود داشته باشد. گسترش قلمرو شرط داوری به عنوان گامی به سوی تکامل نظام حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، از طریق داوری در چارچوب گروه‌های قراردادی امکان بیشتری برای موفقیت دارد. این تحول بدون اینکه انحرافی از مبنای اصلی داوری، یعنی رضایت داشته باشد، در حال شکل‌گیری و پیشرفت است. داوری بین‌المللی در راستای این تحول از همه عوامل کمک می‌گیرد. تثبیت این مفاهیم در داوری بین‌المللی منجر به کاهش پیچیدگی‌های صلاحیتی می‌گردد و نظام داوری به عنوان نظام غالب حل و فصل اختلافات به تکامل خود نزدیکتر می‌شود و در نتیجه امکان احقاق حق در این نظام بیشتر وجود خواهد داشت. اما هنوز معیارهای کاملاً مستحکمی برای تشخیص مفاهیمی چون مجموعه‌های قراردادی و زنجیره‌های قراردادی در بستر داوری وجود ندارد. شاید یکی از دلایل آن مطرح شدن جدی این مفاهیم تنها در نظام حقوقی فرانسه باشد. دادگاه تجدیدنظر پاریس و دیوان عالی کشور همواره سعی در تحکیم این مفاهیم داشته‌اند؛ اما این تحول هنوز باید ادامه پیدا کند تا تبدیل به رویه غالب در داوری بین‌المللی شود.

گسترش قلمرو شرط داوری در گروه‌های قراردادی به عنوان یک مسأله مربوط به صلاحیت، توسعه خود را علاوه بر پیچیده‌تر شدن روابط قراردادی بین‌المللی و ارتباط اقتصادی این قراردادها، مدیون حقوق ماهوی است که این تأثیر در بحث زنجیره‌های قراردادی به شدت پررنگ است. اینکه مفاهیم مربوط به حقوق ماهوی به طور مستقیم و روشن بر یک موضوع مربوط به شیوه و چارچوب رسیدگی تأثیر گذاشته‌اند در نوع خود پدیده جالبی است.

گسترش قلمرو شرط داوری در گروه‌های قراردادی به عنوان یک مسأله مربوط به در پاسخ به این پرسش که ماهیت حقوقی شرط داوری چیست، در نگاه اول می‌توان گفت شرط داوری این قابلیت را دارد که به صورت شرط ضمن عقد دیگر درآید. طرفین به موجب شرط داوری یا متعهد می‌شوند اختلافات آتی خود را به داوری ارجاع دهند یا مقرر می‌کنند اختلافات به محض وقوع مستقیماً به داوری ارجاع شوند. شرط داوری به طور کلی دو اثر مستقیم دارد: نخست آنکه دعوا را به داوری ارجاع می‌دهد و دوم آنکه موجب سلب صلاحیت از مرجع قضایی می‌شود. این دو اثر مهم، خاص داوری است و همان گونه که قرارداد مستقل داوری خود دارای ماهیت حقوقی ویژه با احکام و شرایط خاص است، به نظر می‌رسد شرط داوری را هم باید دارای ماهیتی مستقل دانست. تعهدی که از شرط داوری حاصل می‌شود، متوجه خود طرفین است و اساساً موضوع آن کسب رضایت داور ثالث نیست. بسته به خواست طرفین ارجاع اختلاف به داوری ممکن است به صرف اندراج شرط، خود به خود و همزمان با انعقاد قرارداد اصلی صورت گیرد یا اینکه هر یک از طرفین به موجب شرط داوری در مقابل دیگری ملتزم شود در صورت بروز اختلاف به داور مراجعه کند. اگرچه شرط داوری بر مبنای آزادی اراده می‌تواند مظلوم هر یک از شروط ضمن عقد (فعل و نتیجه) قرار گیرد و حتی شرط راجع به ثالث تلقی شود، ولی موضوع خاص شرط داوری و اثری که این شرط بر صلاحیت عام دادگاه‌های دادگستری دارد و اینکه این شرط حاوی التزام مستقل و مجزایی از قرارداد اصلی است، آن را از شروط ضمن عقد موضوع قانون مدنی متمایز می‌کند. از منظر رویه قضایی نیز اگرچه دادگاه‌ها به صراحت تکلیف ماهیت حقوقی شرط داوری را تعیین

نکرده‌اند، منتها به نظر می‌رسد از آنجا که اغلب آرای قضایی شرط داوری را یک التزام دانسته‌اند، به دلالت تضمینی قائل به شرط فعل بودن شرط داوری باشند. به علاوه، با اینکه شرط داوری همانند سایر شروطی که حاوی التزامی مستقل است، به قرارداد اصلی متصل است، اما صرف این اتصال نمی‌تواند دلیلی بر وابستگی مطلق شرط داوری به قرارداد اصلی باشد. در نتیجه شرط داوری ماهیتاً مستقل از قرارداد اصلی است و برای اثبات عدم اعتبار آن باید به دنبال علتی ویژه و مربوط به خود شرط داوری بود و صرف اثبات بطلان یا عدم اعتبار قرارداد اصلی، حیات شرط داوری را به مخاطره نمی‌اندازد. در رویه قضایی نیز در داوریه‌های موضوع قانون آیین دادرسی مدنی هنوز تصمیم قاطعی در خصوص استقلال یا عدم استقلال شرط داوری اتخاذ نشده

است و در کنار آرایه که حکم به عدم استقلال شرط مذکور داده اند، آرایه وجود دارد که قائل وابستگی شرط داوری به قرارداد اصلی اند.

شهرک صنعتی مکانی است دارای محدوده و مساحت معین که براساس قانون تأسیس شرکت شهرکهای صنعتی ایران و اصلاحات بعدی ایجاد شده یا می‌شود و نواحی صنعتی مشمول قانون شرکت شهرکهای صنعتی، شامل مجموعه‌ای ساماندهی شده از واحدهای صنعتی، پژوهشی، فناوری و خدمات پشتیبانی است که در آن امکانات زیربنایی و خدمات ضروری مورد نیاز به واحدهای مذکور واگذار می‌شود.

بطور کلی داوری نهادی اختیاری، خصوصی و رسمی می‌باشد که طرفین اختلاف با انتخاب یک یا چند داور از طریق قرارداد اختلاف آن‌ها داوری حل و فصل می‌شود و مطابق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی کلیه اشخاص که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را در هر مرحله‌ای از رسیدگی به داوری ارجاع دهند اما با تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران مورخه ۱۳۷۹ شاهد تأسیس نهاد داوری دولتی اجباری یا الزامی هستیم. در واقع باید از داوری در این قانون با لحاظ مداخله دولت و به صرف قرارداد خصوصی از آن به عنوان داوری الزامی نام برد. مواد ۲۰ و ۲۱ قانون برنامه سوم توسعه راجع به صلاحیت هیئت داوری است. به موجب ماده ۲۰ رسیدگی و اظهار نظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی از هر یک از تصمیم‌ها در واگذاری سهام شرکت دولتی در صلاحیت هیئت داوری است. ذیل ماده ۲۱ نیز به صلاحیت داوری تصریح شده و مطابق آن این هیئت در مورد شکایات و اختلافات مربوط به واگذاری رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد کرد. بنابراین مسئله این پایان نامه، بررسی وضعیت حقوقی داوری در واگذاری شهرک‌های صنعتی است. دو تأسیس شورای حل اختلاف و هیات داوری و احکام مرتبط با آن دو را که احتمالاً بر مبنای مصالح خاصی تدوین و لازم الاجرا شده اند نمی‌توان در زنجیره سایر مقررات و قوانین اساسی هماهنگ و موزون ارزیابی نمود.

در نتیجه با تکیه و تأکید بر نظرات اساتید و علمای حقوق اصل استصحاب را می‌توان اینگونه تعریف نمود که چنانچه وفق قوانین، مقررات، ادله و امارات اصل بر عدم موضوعی باشد و در زمان حال تردید و شک ایجاد شود که آیا آن موضوع وجود دارد یا خیر، با توجه به اینکه در زمان سابق اصل بر عدم وجود است و در زمان حال تردید و شک در وجود است لذا وفق اصل استصحاب، اصل بر عدم وجود موضوع است لذا با تطبیق اصل استصحاب در خصوص شمول اموال دولتی بر اموال شهرک‌های صنعتی این نتیجه محرز و مسلم است که نظر به تصریح قوانین و مقرراتی چون قانون مدنی، قانون محاسبات عمومی، قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی، قانون تجارت، اصل بر عدم تسری اموال شرکت‌های دولتی در زمره اموال دولتی است حال چنانچه در حال حاضر تردید و شک در خصوص شمول و یا عدم شمول اموال دولتی بر اموال شرکت‌های دولتی حادث و ایجاد گردد، اصل استصحاب اقتضاء دارد که اصل عدم را جاری ساخته و به عدم تسری اموال دولتی بر اموال شرکتهای دولتی حکم دهیم.

اگر بر فرض محال بپذیریم که مفهوم اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون دادرسی مدنی دلالت بر اموال شرکت‌های دولتی است این استدلال از اساس غیر عقلانی است زیرا بازو و اهرم اجرایی فعالیت‌های تجاری و معاملاتی دولت شرکتهای دولتی هستند و اگر بنا بر این باشد که داوری در اموال دولتی به هیأت وزیران محاله و ارجاع گردد، سالانه پرونده‌های بیشماری جهت اخذ مصوبه به هیأت وزیران ارسال می‌گردد با این وصف هیأت وزیران بایستی تمام امور را تعطیل و صرفاً به رتق و فتق و تنفیذ داوری شرکت‌های دولتی بپردازد که این امر با وظایف و تکالیف هیأت وزیران و اصل استمرار خدمات عمومی و وقفه ناپذیری آن منافات دارد لذا قرین به منطقی این است که فلسفه، روح و مبنای قوانین مورد نظر متوجه اموال دستگاه‌های اجرایی و دولتی باشد که دعاوی محدود داشته و به دلیل ماهیت غیر تجاری بودن و اعمال حاکمیت و نه تصدی‌گری فعالیت می‌نمایند و با عنایت به اصل عاقل بودن قانونگذار و پذیرش این اصل که اساساً قانونگذار قانون عبث و بیهوده‌ای را که مبنای منطقی و عقلانی ندارد وضع نمی‌نماید تصمیم و تسری اصل ۱۳۹ و ماده ۴۵۷ به اموال شرکت‌های دولتی فاقد مبنای منطقی است.

آراء متعدد قضایی از سوی محاکم قضایی به صراحت داوری در اموال شرکت های دولتی را بنا به دلایلی چون تفکیک بین اعمال تصدی و حاکمیت یا تمایز بین اموالی که بطور بالفعل و بدون وجود اختلاف در زمره اموال عمومی و دولتی هستند با اموالی که به دلیل اختلاف طرفین نمی توان به صورت بالفعل، دولتی و عمومی تلقی کرد، جدا کردن اموالی که برای مصارف و مصالح عمومی اختصاص داده شده اند از سایر موارد یا تفکیک بین شرکت دولتی و دیگر بخش های دولت یا جدا کردن اختلاف قبل از طرح در دادگاه با آنهایی که در دادگاه طرح شده اند را از شمول اموال عمومی و دولتی خارج دانسته اند.

پیشنهادهات

به لحاظ اینکه شهرک های صنعتی حجم بسیار زیادی در چرخه اقتصاد کشور دارد و واگذاری شهرک های صنعتی و اعتراضات در خصوص واگذاری سهام شرکت های دولتی باید در چارچوب دقیق قانونی باشد و باید قوه قضائیه که مرجع تظلم خواهی است، به عنوان یک نهاد بی طرف و مستقل نقش آفرین و راهگشا باشد. به نظر باید کمیسیون های مشترکی توسط قوای سه گانه در جهت اصلاح این هیئت داوری تشکیل شود تا آثار سوء این واگذاری از بین رفته و آن را می توان در قالب لایحه اصلاحی مبنی بر اینکه از قضات دادگستری به عنوان اعضای اصلی در هیئت داوری استفاده شود و تصمیمات این نهاد از لحاظ خلاف قانون بودن در دیوان عدالت اداری در شعبه تخصصی قابل رسیدگی باشد. لذا پیشنهاد می گردد:

- ۱- شهرک های صنعتی و کیل تخصصی به عنوان نماینده شهرک ها در مجامع قضایی انتخاب نماید.
- ۲- قوانین جدید و به روزتر برای داوری در دعوای شهرک های صنعتی تبیین گردد.
- ۳- بررسی ماهیت شرط داوری در قراردادهای واگذاری شهرک های صنعتی از منظر فقه و حقوقی مقایسه گردد.
- ۴- بررسی ماهیت شرط داوری در قراردادهای واگذاری شهرک های صنعتی در فقه مورد بررسی قرار گیرد.
- ۵- بررسی ماهیت شرط داوری در قراردادهای واگذاری شهرک های صنعتی در حقوق ایران و فرانسه مقایسه گردد.

منابع

- ۱- حسینی، سید یاسر، اصل استقلال و بی طرفی داور در حقوق ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق شهید بهشتی، ۱۳۹۱
- ۲- خزاعی، حسین «خصوص و محرمانه بودن داوری در حقوق تجارت داخلی و بین المللی» مجله فصل نامه حقوق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۰۶ به بعد، سال ۱۳۸۸
- ۳- سکوتی، رضا و دیگران، روش های حل اختلاف در قراردادهای ساختمانی، مجله پژوهش حقوق، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی تهران شماره ۳۱، ۱۳۹۰
- ۴- شمس، عبدالله، (۱۳۸۵) آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران، انتشارات دراک، چاپ اول، ص ۵۳۸.
- ۵- کریمی، عباس و پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، چاپ اول، تهران انتشارات، دادگستر، ۱۳۹۱
- ۶- کلانتریان، مرتضی، داوری (بررسی مهمترین نظام های حقوقی جهان) چاپ اول تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۲
- ۷- محبی، دادگاه غیر دولتی، ماهنامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۵۹۴، ۱۳۸۷/۶/۲۸.
- ۸- محمد زاده اصل، حیدر، داوری در حقوق ایران، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹، ص ۳۲
- ۹- مدنی (سید جلال الدین)، آیین دادرسی مدنی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۲
- ۱۰- مدنی، جلال الدین، آدم، جلد اول، انتشارات پایدار، صص ۲۴۳-۲۴۲.
- ۱۱- مشکل گشا، احسان، (۱۳۹۱)، چهارچوب مسئولیت مدنی داور در حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵
- ۱۲- میر فخرایی، جواد، (۱۳۶۹) امکان جرح و سلب صلاحیت داور، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوقی، ش دوازدهم، ص ۱۷۱
- ۱۳- میرزایی منفرد، غلامعلی، ساز و کار حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه ایران با مطالعه تطبیقی، انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار، اسفند ۱۳۷۸.